

حمام‌ها در ضرب‌المثل‌های فارسی

محسن طبسی*

(تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۲، تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۱۷)

چکیده

واژگان معماری همواره در کلام عامه نمود داشته است. به سبب اهمیت شست‌وشو و پاکیزگی در نظام روابط اجتماعی ایرانیان، حمام‌ها در جایگاهی ممتاز قرار داشته‌اند. حمام‌ها از آسیب‌پذیرترین گونه‌های معماری هستند و متأسفانه فرهنگ گرمابه‌ها بیشتر و پیش‌تر از کالبد آن‌ها در معرض نابودی است. بنابراین نباید در ضرورت مستندسازی وجوه غیر مادی گرمابه‌ها تردیدی روا داشت. این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی به بازشناسی، طبقه‌بندی و تحلیل وجوه مختلف گرمابه‌ها در ضرب‌المثل‌های فارسی می‌پردازد.

مهم‌ترین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که امثال به صورت جمله ساده خبری، بیشترین فراوانی را دارند و در عین ظرافت زبانی، مطلب را به ساده‌ترین شکل ممکن بیان می‌کنند. از نظر محتوای عمومی امثال، مسائل اجتماعی و اخلاقی بالاترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند. بررسی محتوای تخصصی امثال از نظر معماری بیانگر توجه عمده به

۱. استادیار معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد (نویسنده مسئول)

* mohsentabasi@mshdiau.ac.ir

کالبد معماری حمام‌هاست. بررسی محتوای مردم‌شناسانه امثال نیز نشان می‌دهد که به وسایل حمام‌ها بیشتر از دیگر موارد توجه شده است. همچنین معماری و موضوعات مردم‌شناختی گرمابه‌ها اهمیت یکسانی دارند و باید همپای توجه به حفظ کالبد معماری گرمابه‌ها به حفاظت از وجوه مردم‌شناختی آن‌ها نیز اهتمام ورزید.

واژه‌های کلیدی: ادبیات عامه، ضرب‌المثل، معماری، مردم‌شناسی، حمام، ایران.

۱. مقدمه

معماری ظرف زندگی است و همه صورت‌های زندگی در این ظرف تجلی می‌یابد. از این‌رو، واژگان معماری چه در سخن ادیبانه، چه در کلام عامه همواره به کار می‌رود. علاوه بر متون فصیح فارسی، ادبیات عامه نیز بخش مهمی از ادب پارسی است که شایسته جست‌وجو برای یافتن واژه‌های معماری و مردم‌شناسی است و دقیقاً از این دیدگاه، ادبیات عامه برای یافتن واژه‌هایی که نزد مردم و جامعه زنده بوده و کاربرد داشته است، مرجعی مطمئن‌تر از ادب رسمی و درباری است.

از سوی دیگر، پاکیزگی تن و جان از روزگاران کهن نزد اقوام آریایی متداول بوده و مستندات بسیاری درباره قداست و حرمت آب، در ادوار پیش از اسلام در دست است. با فراگیر شدن اسلام، غسل‌های متعدد و شست‌وشوهای مکرر روزانه (وضو) نیز اهمیت یافت. فعل استحمام در مکانی به نام حمام صورت می‌گرفت که در ابتدای شکل‌گیری، فاقد معماری قابل تشخیص بوده است؛ اما در طول تاریخ، معماران ایرانی به تدریج آن را از آبن به فضایی باشکوه بدل ساختند.

بنا به دلایل متعدد، حمام‌ها از آسیب‌پذیرترین گونه‌های معماری به‌شمار می‌روند که همواره تغییرات اساسی یا تخریب کامل بر آن صورت می‌گرفت و متأسفانه فرهنگ گرمابه‌ها بسیار بیشتر و پیش‌تر از خود آن‌ها در معرض نابودی است. نقش حمام در نظام روابط اجتماعی، پیوند مستحکم و دیرپای آن با آیین‌های گذر و آداب و رسوم مذهبی و محلی، ارتباط آن با علوم و روش‌های سنتی پزشکی و حضور در بیشتر عرصه‌های فرهنگ مردم، از جمله ویژگی‌هایی است که حمام‌ها را در قیاس با دیگر گونه‌های معماری در جایگاهی ممتاز قرار می‌دهد. بنابراین با توجه به این وضع

نابسامان نباید در ضرورت مستندسازی و تجزیه و تحلیل وجوه غیرمادی گرمابه‌ها، به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی ایران تردیدی روا داشت.

پژوهش حاضر با رویکرد تحلیلی و با روشی توصیفی-تطبیقی به بازشناسی حمام در ادبیات عامه پرداخته و از میان گرایش‌های متعدد ادبیات عامه فقط به ضرب‌المثل‌های فارسی بسنده کرده است. همچنین نگارنده از روش تاریخی برای نقد و بررسی مستندات مکتوب بهره گرفته و سعی کرده است که روایی اسناد و منابع، تا حد ممکن نقد بیرونی و درونی شود تا بر اعتبار تحقیق افزوده شود.

۲. پیشینه تحقیق

ضرورت‌های آیینی و رویکردهای بهداشتی سبب شدند که شست‌وشو و استحمام به یکی از آداب و رسوم ایرانیان بدل گردد که از بدو تولد، حتی تا پس از مرگ نیز با آدمی همراه است. بدین اعتبار بیشتر کتاب‌ها، مقالات، سفرنامه‌ها، رساله‌ها، فرمان‌ها و به‌طور کلی تمامی متون، در پی یافتن ردی از حمام یا دیگر وجوه مرتبط با آن هستند. مهم‌ترین مأخذ برای شناخت عمومی از گرمابه‌های ایران، مقاله «حمام‌ها»، تألیف محمدکریم پیرنیا در کتاب *آشنایی با معماری اسلامی ایران* (۱۳۷۲) است. دو مقاله از فرهاد فخاری تهرانی، با عناوین «حمام‌ها»، در کتاب *معماری ایران، دوره اسلامی* (کیانی، ۱۳۶۶)؛ و «حمام‌ها در نظرگاه زمان» (فخاری تهرانی، ۱۳۷۹) نیز با همین هدف نگاشته شده‌اند. این مقالات به مرور اجمالی وجوه گوناگون حمام‌ها پرداخته و بستر مناسبی را برای مطالعات تکمیلی دیگر محققان فراهم آورده‌اند.

مجموعه مقاله‌های همایش حمام در فرهنگ ایرانی (فخاری تهرانی، ۱۳۸۴)، و شماره ۵۷ و ۵۸ از مجله *کتاب ماه هنر* (خرداد و تیر ۱۳۸۲) - که یک مجلد آن به بررسی فرهنگ آب اختصاص یافته است - نیز دربردارنده مقالاتی با موضوعات متنوع به‌ویژه وجوه مردم‌شناختی حمام‌ها هستند. جلد هجدهم از *مجموعه گنج‌نامه*، درباره حمام‌هاست و مقدمه‌ای که بر آن نوشته شده است نیز ازجمله مقالات عمومی این حوزه به‌شمار می‌رود (حاجی قاسمی، ۱۳۸۳). بخشی از جلد چهارم *دائرةالمعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی* نیز به حمام‌ها پرداخته است (ملازاده، ۱۳۷۹).

کتاب *آشنایی با گرمابه‌های ایران* تألیف محسن طبسی نیز از جمله منابع عمومی درباره حمام‌هاست که در سه بخش به معماری حمام‌ها، منابع مکتوب و نیز فرهنگ مردم ایران پرداخته است (طبسی، ۱۳۹۲). *کتابنامه گرمابه‌ها* نیز دربردارنده مشخصات کتاب‌شناسی بیشتر منابع فارسی و خارجی مرتبط با حمام‌هاست که به صورت موضوعی دسته‌بندی شده‌اند (طبسی، ۱۳۹۲). علاوه بر این، مقالات متعددی نیز به صورت موضوعی یا موردی به حمام‌ها توجه کرده‌اند. مقالات موضوعی بیشتر به وجوه مردم‌شناختی حمام‌ها پرداخته‌اند.

علاوه بر این نخستین و مهم‌ترین منبع درباره امثال فارسی مقاله «کتاب‌شناسی ضرب‌المثل‌ها» است که طی آن ۳۵۰ کتاب و ۱۰۵ مقاله در این حوزه معرفی شده‌اند تا پژوهندگان بتوانند به اتکای آن دامنه تحقیق را توسعه دهند و از مکررکردن پژوهش‌ها اجتناب کنند (ذوالفقاری، ۱۳۸۵). برخی از منابع به گردآوری و بعضی دیگر به روایت داستان‌های امثال پرداخته‌اند. شماری از منابع نیز با نگاهی تحلیلی به موضوع، سعی در ارتقای دانش ادبیات عامه در این حوزه داشته‌اند. مقالاتی همچون «شیوه‌نامه تدوین مثل‌های ایرانی» (ذوالفقاری، ۱۳۸۳) و «سیری در داستان‌های امثال» (ذوالفقاری، ۱۳۸۴) نیز از این جمله‌اند. تلاش‌هایی با نگاهی نو (پارسا، ۱۳۸۴) در مطالعات تطبیقی ضرب‌المثل‌ها نیز صورت گرفته است (ناصری، ۱۳۸۶). از منابع متقدم نیز باید به مقالات «تقسیمات مثل» (بهمنیار، ۱۳۲۹) و «سخنی در زمینه امثال» (رضوانیان، ۱۳۵۶) اشاره کرد.

مهم‌ترین اثری که در این حوزه تاکنون فراهم آمده کتاب ارزشمند *فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی* است که باوجود برخی انتقادات (سبزیان‌پور و جهانی، ۱۳۹۱؛ واعظزاده، ۱۳۹۰) همچنان تنها منبع جامع، قابل اعتنا و شایسته اعتماد در این خصوص به‌شمار می‌رود (ذوالفقاری، ۱۳۸۸). مقاله «بازخوانی امثال و حکم به منظور بازایی واژه‌ها و اصطلاحات معماری و شهرسازی» نیز در همین حوزه به شناسایی، طبقه‌بندی و تحلیل وجوه معماری کتاب *امثال و حکم* پرداخته است (طبسی، ۱۳۹۱).

۳. روش پژوهش

در مطالعه حاضر از روش تحلیلی برای نقد و بررسی مدارک بهره گرفته شده است تا از این طریق بتوان ویژگی‌های عمومی و مشترک امثال را تبیین کرد. بدین منظور سعی شده است مدارک و شواهد مورد نیاز تا حد ممکن گردآوری و بین آن‌ها ارتباطی

منطقی برقرار شود. همچنین سعی شده است روایی اسناد و منابع، تا حد ممکن نقد بیرونی و درونی شود تا با اتکای بر اعتبار آن‌ها، اعتبار تحقیق نیز افزایش یابد.

این پژوهش از نظر هدف، پژوهشی توصیفی- تطبیقی است؛ پژوهشی توصیفی است، زیرا ماهیت، شرایط و عناصر تشکیل‌دهنده موضوع را بدون قضاوت و داوری وصف می‌کند، و پژوهشی تطبیقی است، زیرا مجموعه‌ای از آزمودنی‌ها را با ضوابطی خاص، مقایسه می‌کند و درباره آن‌ها به داوری می‌پردازد. از نظر روش گردآوری اطلاعات سعی شده است تا اطلاعات مورد نیاز با شیوه‌های گوناگون (کتابخانه‌ای و به‌ندرت میدانی) به گونه‌ای فراهم آیند که روایی و پایایی آن‌ها نیز تأمین شود. اطلاعات فراهم‌آمده با روش‌های کیفی و کمی تجزیه و تحلیل شده‌اند. از آنجا که بخش عمده‌ای از داده‌های این پژوهش، کیفی و بدون جنبه‌های آماری است؛ لذا به‌کارگیری روش‌های تحلیل کیفی ضروری می‌نماید.

در این پژوهش ضرب‌المثل‌هایی را که به‌گونه‌ای به وجوه متعدد حمام‌ها مربوط بوده‌اند، تا حد ممکن از منابع متعدد استخراج کرده‌ایم. بدیهی است به‌سبب تعدد منابع و وفور ضرب‌المثل‌ها چه‌بسا شماری از امثال مرتبط نیز از قلم افتاده باشند. تأکید می‌شود آنچه فراهم آمده (درمجموع ۱۳۴ ضرب‌المثل) فقط در حد توان نگارنده و دسترسی وی به منابع بوده که برای نشان‌دادن اهمیت موضوع بسنده است و بررسی تمام ضرب‌المثل‌ها نیز راه به جایی نخواهد برد. نتایج و یافته‌های این جست‌وجو نخست براساس حروف الفبا مرتب شد، سپس در مرحله‌ای دیگر صورت تحلیلی به خود گرفت.

برای جلوگیری از طولانی‌شدن مقاله، فقط در برخی موارد، مثال‌هایی ذکر شده است. معیار برای انتخاب شاهد مثال‌ها، مناسبت بیشتر آن‌ها با موضوع مورد بحث، اشتها و رواج ضرب‌المثل، نشان دادن معانی مختلف مورد نظر در آن‌ها، تکراری نبودن و درنهایت زیبایی امثال بوده است. در طبقه‌بندی امثال، ابتدا ضرب‌المثل‌ها بر اساس *شیوه‌نامه تدوین مثل‌های ایرانی* (ذوالفقاری، ۱۳۸۳) تقسیم و سپس از نظر محتوایی طبقه‌بندی شدند.

۴. چارچوب نظری

۴-۱. حمام‌های ایرانی

۴-۱-۱. واژه‌شناسی: حمام واژه‌ای است عربی، به معنی گرمابه و محلی برای شست‌وشوی سر و تن و به صورت حمامات جمع بسته می‌شود (جر، ۱۳۶۷: ذیل واژه «حمام»). حمام را به معنای گرمابه نیز دانسته‌اند (دهخدا، ۱۳۷۷: حمام؛ معین، ۱۳۷۱: حمام) و برای واژه گرمابه نیز، واژه‌های مترادف دیگری همچون گرم‌اوه، گرمابان و گرم‌اوان آورده شده است.

برخی در معانی و به کارگیری واژگان، اندکی تفاوت قائل‌اند و معتقدند حمام واژه‌ای است که برای حمام‌های عمومی خزینه‌دار به کار می‌رود و بدین اعتبار حمام‌های عمومی دوش‌دار با نمرة خصوصی (که هنوز هم کم‌وبیش دایر هستند) را گرمابه می‌نامند. به نظر می‌رسد این شیوة دسته‌بندی و نام‌گذاری که در سال‌های اخیر صورت گرفته است، چندان پایه و سندیت علمی و لغوی متقنی نداشته باشد؛ زیرا بر اساس آنچه در متون دیده می‌شود و نیز آنچه از فرهنگ‌های معتبر برمی‌آید، دو واژه حمام و گرمابه مترادف یکدیگرند.

از نظر معماری «واژه گرمابه مرکب از دو کلمه گرم و آبه است. در اینجا آبه به معنی آب نیست، یا به عبارتی، گرمابه مساوی آب گرم نیست، بلکه به محل ساختمان گفته می‌شده، مثل سردابه (ساختمان سرد)، گورابه (یعنی قبرستان یا مقبره) ...» (پیرنیا، ۱۳۷۲: ۱۹۷). نکته‌ای که در این باب باید یادآور شد این است که: «فکر می‌کردم واژه گرمابه، فارسی حمام و لغتی است مرکب از آب و گرم، مضاف و مضاف‌الیه مغلوب، و یا بدل از کسرة نسبت و به همان معنی محل آب گرم [که پیرنیا اشاره کرده است] ولی ... پسوند آبه یک لغت مربوط به آیین مهری و به معنی غار و پناهگاه می‌باشد. مشابه آن، مهرابه یعنی پناهگاه و محل اجتماع مهریان بوده ...» (آسانوا و دوو، ۱۳۸۲: ۱۶۴). هاشم رضی می‌نویسد: «... و پسوند آبه، آوه در واژه‌های گرمابه، سردابه و جز آن ... به معنای جای مسقف با سقف ضربی هلالی و قوس‌دار است که مهرابه‌ها را چنین بنا می‌کردند و سقف حمام‌ها و سردابه یا زیرزمین‌ها برای سکونت چنین ساختی را داشتند» (رضی، ۱۳۷۱: ۸۸).

۲-۱-۴. معماری: فضاهای هر گرمابه ایرانی را می‌توان در چهار گروه دسته‌بندی کرد:

الف) فضاهای اصلی

- **بینه:** بینه، سربینه، سر حمام یا رختکن، بزرگ‌ترین فضای حمام است. کاربرد اصلی بینه، رختکن حمام بوده، ولی استراحت پس از استحمام، نوشیدن چای و کشیدن قلیان، گفت‌وگو و ملاقات با دوستان و ... نیز از دیگر کارکردهای این فضا شمرده می‌شده است (بلوکباشی، ۱۳۷۴: ۳۱۴).

- **گرمخانه:** گرمخانه حمام، فضای اصلی شست‌وشو و استحمام است. گرمخانه فضایی عمومی برای کیسه‌کشیدن، لیف و صابون زدن، مشت و مال و احتمالاً یک یا چند فضای خصوصی به نام خلوت دارد.

- **خزینه:** خزینه یا خزانه حوض بزرگی است که برای پاک‌شدن، آب‌کشی و غسل کردن وارد آن می‌شده‌اند.

- **چال حوض:** چال حوض، چهارحوض، چارحوض، چاله حوض یا دریاچه، فضایی است وسیع که در آن حوض بزرگی مملو از آب سرد وجود دارد و در تابستان‌ها و برای شنا کردن و آب‌تنی مورد استفاده قرار می‌گرفته است (طبسی، ۱۳۸۱: ۹۵).

ب) فضاهای ورودی و ارتباطی

- **سردر:** سردر نخستین حلقه ارتباط حمام با بافت شهری است که علاوه بر کارکردهای انتقالی و ارتباطی گاه کارکردهای اجتماعی نیز داشته و بنا به مناسبت‌های خاص (همچون عروسی و زایمان و ...) محل تجمع خانواده‌ها و برگزاری جشن و سرور بوده است.

- **هشتی:** دومین بخش از فضاهای ورودی و ارتباطی، هشتی یا کریاس است. تقسیم فضایی، ایجاد وقفه و محلی برای انتظار از کارکردهای هشتی است.

- **دالان:** دالان یا راهرو، فضای انتقالی در حمام‌هاست. راهروهای حمام‌ها بنا به رعایت دید مستقیم و مسائل پزشکی، بیشتر زاویه‌دار و پُر پیچ‌وخم ساخته شده‌اند (پیرنیا، ۱۳۷۲: ۱۹۸).

- **میان‌در:** میان‌در اصلی‌ترین فضای ارتباطی حمام‌ها، واسط بین سربینه و گرمخانه و بیشتر محل مکث و عبور (و نه توقف) است.

ج) فضاهای خدماتی

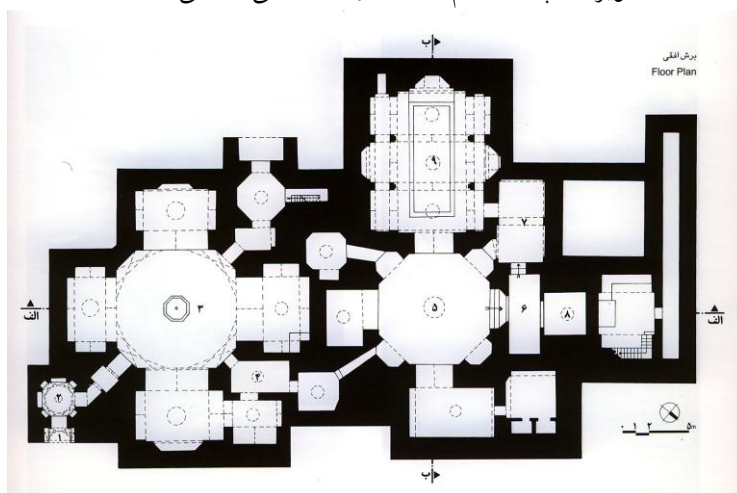
- دهلیز: دهلیز حمام، فضای کوچکی برای نشستن استاد حمامی است.
- آبریزگاه: آبریزگاه از دیگر فضاهای خدماتی است که دسترسی آن از میان در حمام است.

- نوره‌خانه: نوره‌خانه یا نوره‌کش‌خانه، فضایی برای ستردن موهای اضافی است.
- بام حمام: از فضای بام حمام به عنوان فضایی خدماتی برای آویختن لنگ‌های حمام استفاده می‌شده است.

د) فضاهای تأسیساتی

- تون: تون، کوره یا آتشدان حمام، فضایی برای افروختن آتش حمام بوده است.
- انبار سوخت: انبار سوخت حمام، فضایی است در جوار تون که برای نگهداری سوخت حمام به کار می‌رفته است.
- گنداب: گنداب فضایی است باز در جوار برخی حمام‌ها که فاضلاب حمام را در سطح آن پخش می‌کردند تا در هوای آزاد خشک شود (طیسی، ۱۳۹۲: ۵۵-۶۲). فضاهای حمام در تصویر شماره ۱ نشان داده شده است.

تصویر ۱- پلان حمام شاه اصفهان (حاجی قاسمی، ۱۳۸۳)



- ۱) ورودی ۲) هشتی ۳) بینه ۴) میان‌در ۵) گرمخانه ۶) خزینه ۷) خلوت، شاه‌نشین
۸) تیان ۹) چال‌حوض.

۲-۴. ضرب‌المثل

۱-۲-۴. تعاریف، ویژگی‌ها و وجوه متعدد امثال: از بررسی منابع متعددی که سعی در تعریف مثل داشته‌اند، می‌توان ویژگی‌های امثال را چنین برشمرد: ایجاز و کوتاهی، شهرت و رواج در میان مردم، جنبه‌های اندرزی، روشنی و درستی معنا، حسن تشبیه، حسن تأثیر و جاذبه، جمله‌ای بودن، تکیه بر تجربه، شمول و کلیت، جنبه کنایی، انعکاس اندیشه و آینه زندگی، روانی لفظ و سادگی، کاربرد وسیع، جنبه استعاری، تغییر شکل و نامعلوم بودن پدیدآورنده (ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۲۳).

تنها تعریف جامع و مانع از مثل را حسن ذوالفقاری ارائه داده است: «مثل جمله‌ای است کوتاه، مشهور و گاه آهنگین حاوی اندرزها، مضامین حکیمانه و تجربیات قومی مشتمل بر تشبیه، استعاره یا کنایه که به دلیل روانی الفاظ، روشنی معنا، سادگی، شمول و کلیت در میان مردم رواج یافته و با تغییر یا بدون تغییر آن را به کار می‌برند» (همان، ۲۵). در بسیاری از منابع، واژه‌های امثال و کنایات به صورت مترادف به کار گرفته شده‌اند. باید توجه داشت که کنایه با ضرب‌المثل تفاوت‌هایی ظریف دارند که بحث درباره آن خارج از مجال این مقاله است (ر.ک: همو، ۱۳۸۷).

۲-۲-۴. طبقه‌بندی امثال: از جمله مهم‌ترین وجوهی که در مطالعه ضرب‌المثل‌ها باید به آن توجه کرد، زبان و ساخت زبانی، لحن و بیان، زیبایی‌شناسی، قدمت و رواج، درون‌مایه و محتوا و ریشه‌های امثال است. مثل‌ها را از شش جنبه می‌توان بررسی و طبقه‌بندی کرد: منظوم یا منثور بودن مثل؛ حجم ضرب‌المثل؛ شکل و ساختار؛ منشأ؛ محتوا؛ بیان و لحن امثال (ذوالفقاری، ۱۳۸۳: ۶۵-۶۷). مثل‌ها را از جنبه داستان‌مثل نیز می‌توان بررسی و طبقه‌بندی کرد که به سبب گستردگی موضوع، این مسئله در فرصتی دیگر بررسی خواهد شد.

۵. طبقه‌بندی و تحلیل یافته‌های پژوهش

۱-۵. طبقه‌بندی اولیه: در نخستین گام، امثال از پنج منظر (بر اساس نظم و نثر بودن، حجم، شکل و ساختار، منشأ و لحن و بیان) طبقه‌بندی و نتایج تحلیلی آن‌ها در جدول‌های ۱ تا ۵ ارائه شده است.

جدول شماره ۱- تحلیل یافته‌ها از نظر نظم و نثر

جمع کل	منثور	منظوم				
		جمع	بیش از یک بیت	تک بیت	مصراع	
۱۳۴	۱۱۹	۱۵	۳	۹	۳	فراوانی (تعداد)
۱۰۰	۸۸/۸۰	۱۱/۲۰	۲/۲۴	۶/۷۲	۲۴/۲	درصد

جدول شماره ۲- تحلیل یافته‌ها از نظر حجم امثال

جمع کل	بلند	کوتاه	
۱۳۴	۱۰۸	۲۶	فراوانی
۱۰۰	۸۰/۶	۱۹/۴	درصد

جدول شماره ۳- تحلیل یافته‌ها از نظر شکل و ساختار امثال

داستان‌دار	تشبیهی	ساده (از مجموع ۱۱۹ مثل منثور)							
		جمع	مصدری	شبه جمله	شرطی	استفهامی	امری	خطا بی خبری	
۳۲	۶	۱۱۹	۷	۱۸	۳	۸	۷	۳	۷۳
۲۳/۸۹	۴/۴۷	۱۰۰	۵/۸۹	۱۵/۱۲	۲/۵۲	۶/۷۲	۵/۸۹	۲/۵۲	۶۱/۳۴

جدول شماره ۴- تحلیل یافته‌ها از نظر منشأ امثال

جمع کل	بومی و محلی	عربی	فارسی	
۱۳۴	۶	۱	۱۲۷	فراوانی
۱۰۰	۴/۴۸	۰/۷۴	۹۴/۷۸	درصد

جدول شماره ۵- تحلیل یافته‌ها از نظر لحن و بیان امثال

طنزآمیز و لطیفه‌وار	جدی و معمولی	نازیا				روایی	خطابی	گفت‌وگویی	جمع کل
		استهزاء	رکیک	مستهجن	جمع				
فراوانی	۴۹	۴۰	۱۱	۷	۳	۲۱	۲	۲۱	۱۳۴
درصد	۳۶/۵۷	۲۹/۸۵	۸/۲۱	۵/۲۲	۲/۲۴	۱۵/۶۷	۱/۴۹	۱۵/۶۷	۰/۷۵

مطالعه حاضر نشان می‌دهد اگرچه ضرب‌المثل‌های منشور حدود هشت برابر امثال منظوم هستند؛ اما این بدان معنا نیست که امثال منشور فاقد ظرافت‌های زبانی و کلامی هستند. بیش از ۸۰٪ امثال از نظر حجم، ضرب‌المثل بلند به شمار می‌آیند.

بیش از ۶۱٪ امثال (از مجموع ۱۱۹ مثل منشور) به صورت جمله ساده خبری به کار برده می‌شوند. به عبارت دیگر، امثال در عین ظرافت زبانی، سعی در بیان لب مطلب به ساده‌ترین شکل ممکن دارند و کم‌بودن امثال تشبیهی نیز بر این امر دلالت دارد. در این پژوهش به ترتیب شبه‌جمله، جملات استفهامی، امری، شرطی و خطابی در مراتب بعدی قرار دارند و حدود شش درصد امثال به شکل مصدری ثبت و ضبط شده‌اند. شش مورد ضرب‌المثل تشبیهی و ۳۲ مورد ضرب‌المثل داستان‌دار در این مطالعه مشاهده شده است که به بررسی و طبقه‌بندی آن‌ها باید توجه شود.

در پژوهش حاضر فقط یک ضرب‌المثل با منشأ عربی و شش ضرب‌المثل بومی و محلی دیده شده است. امثال بررسی‌شده از نظر لحن و بیان در بیش از ۳۶٪ لحن طنز و حدود ۳۰٪ لحن جدی و معمولی دارند. نکته مهم اینکه فقط در ۲۱ مورد از لحن نازیا استفاده شده است و فقط ۱۰ مورد از ۱۳۴ مورد الفاظ رکیک یا مستهجن دارند که نشان از پاکی و رعایت کلام عامه دارد. لحن خطابی، روایی و گفت‌وگویی نیز در جایگاه‌های بعدی قرار دارند.

۵-۲. تحلیل و طبقه‌بندی بر اساس محتوای عمومی

الف. عقاید مذهبی (۲ مورد):

- حایض او من شده به گرمابه ماهی او من تپیده در تابه

(دهخدا، ۱۳۶۶: ۶۸۸)

- هذا مسجد، هذا حمام (لطفی و مسجدی، ۱۳۹۰: ۳۷۲)

ب. عقاید خرافی (۸ مورد):

- این جور بود؟ (بقایی، ۱۳۷۰: ۱۵۸)
- بچه خمیره، خدا کریمه (وکیلان، ۱۳۶۸: ۶۱)
- حمام جن است (دهخدا، ۱۳۶۶: ۷۰۲)
- حمام جن است، یکی از دیگری بلندتر (لطفی و مسجدی، ۱۳۹۰: ۳۷۳)
- حموم جهودها (هدایت، ۱۳۵۶: ۱۸)
- سم همه گرد است (بهمنیاری، ۱۳۸۱: ۳۴۱)
- قوز بالای قوز (دهخدا، ۱۳۶۶: ۱۱۶۸)
- همه سم دارند (امینی، ۱۳۲۴: ۳۱۱)

ج. قوانین میان مردم (۱۸ مورد):

- از خودش دیوانه تر ندیده بود (وکیلان، ۱۳۶۸: ۲۶)
- پایش روی گنج است (بهمنیاری، ۱۳۸۱: ۱۱۵)
- صابون چرک را می برد و چرک صابون را (شکورزاده، ۱۳۷۲: ۴۹۰)
- حموم بری عقی می کنی (لطفی و مسجدی، ۱۳۹۰: ۳۷۴)
- هر چه قل قل می کند قلیان نیست (مجتهدی، ۱۳۳۴: ۲۶۷)

د. مدح و ذم (۱۶ مورد):

*** گروه ها و اقوام (۴ مورد):**

- حمام، زنانه شد (پرتوی آملی، ۱۳۸۵: ۴۱۵)

*** اشخاص (۷ مورد):**

- ابوبکر سبزواری از این بهتر نمی شود (ذوالفقاری، ۱۳۸۴: ۷۳)
- جلوی دهن آمیرزا بقا را می بندد (باستانی پاریزی، ۱۳۴۶: ۱۴)

*** شهرها و اماکن (۳ مورد):**

- رو که نیست، سنگ پای قزوین است (شکورزاده، ۱۳۷۲: ۴۱۶)

*** حیوانات (۲ مورد):**

- مگر تو مرغابی هستی که ماهی یک مرتبه حمام می روی؟ (خضرائی، ۱۳۸۲: ۳۷۳)

ه. مسائل پزشکی و بهداشتی (۴ مورد):

- آب هکماوار برای من ساخته است (مجتهدی، ۱۳۳۴: ۲۷۰)
قصبه حکم‌آباد که در لفظ عوام هکماوار تلفظ و نگاشته می‌شده، از توابع تبریز بوده است.

- آن سیه‌رو که نام اوست زکام / اولش فصد و آخرش حمام
(دهخدا، ۱۳۶۶: ۵۷)

- هلیله و ملیله، روغن میخ طویله، گرد ته خزینه (شکورزاده، ۱۳۷۲: ۷۳۷)
و. مسائل اجتماعی (۶۱ مورد):

- اگر شد، آب آشم؛ نشد، آب سرم (مجتهدی، ۱۳۳۴: ۵۸)
- حساب همه چیز را کردم، این یکی در حسابم نبود (امینی، ۱۳۲۴: ۳۴۳)
- بوقش را زدند (پرتوی آملی، ۱۳۸۵: ۱/ ۲۱۹)
- تعارف آب حمامی خرجی ندارد (لطفی و مسجدی، ۱۳۹۰: ۳۷۲)
- حمام جای خر بستن نیست (دهخدا، ۱۳۶۶: ۷۰۲)
- سر می‌تراشم گریه می‌کنند، روضه می‌خوانم خنده می‌کنند (بهمنیاری، ۱۳۸۱: ۳۳۳)
- هم سفره نان است و هم لنگ حمام (شکورزاده، ۱۳۷۲: ۷۴۱)

ز. مسائل اخلاقی (۲۸ مورد):

- کمال همنشین در من اثر کرد [وگرنه من همان خاکم که هستم]
(سعدی، ۱۳۶۶: ۷۴)
- من قنداب دادم گنداب خوردم، تو که گنداب می‌دهی بین چه می‌خوری
(گروسیں، ۱۳۷۰: ۱۷۷)

- حمامی به حمامی می‌رسد صندوق می‌بوسد (دهخدا، ۱۳۶۶: ۷۰۳)

ح. مسائل اساطیری و تاریخی و سیاسی (۵ مورد):

- مثل رستم در حمام (دهخدا، ۱۳۶۶: ۱۴۳۹)
 - جلوی دهن آمیرزا بقا را می‌بندد (باستانی پاریزی، ۱۳۴۶: ۱۴)
 - تنبل شاه‌عباسی (سرمد، ۱۳۷۶: ۱۲۸)
- یافته‌های طبقه‌بندی‌شده در این بخش در جدول شماره ۶ از نظر کمی تحلیل شده‌اند.

جدول شماره ۶- تحلیل محتوای یافته‌ها از نظر موضوعات عمومی

مذهبی	خرافی	قوانین	مدح و ذم				پزشکی	اجتماعی	اخلاقی	تاریخی	جمع کل
			مردمی	اقوام	اشخاص	اماکن	حيوانات	جمع			
۲	۸	۱۸	۴	۷	۳	۲	۱۶	۴	۶۱	۵	۱۴۲
۱/۴	۵/۶	۱۲/۶	۲/۸	۴/۹	۲/۱	۱/۴	۱۱/۲	۲/۸	۴۲/۷	۳/۵	۱۰۰

تحلیل محتوای عمومی امثال نشان می‌دهد اگرچه ارتباط تنگاتنگی بین طهارت و عبادت وجود دارد؛ اما فقط ۲ مورد (۱/۴٪) از امثال به این موضوعات مذهبی اشاره دارند. بر اساس باورهای عامه، گرمابه‌ها جایگاه اجنه هستند؛ اما این موضوع خرافی، فقط ۵/۶٪ از امثال را به خود اختصاص داده است که نشان می‌دهد این باور خرافی، نزد عامه مردم چندان هم جدی نیست.

کم بودن موارد و اشارات پزشکی (۲/۸٪)، تاریخی و سیاسی و اساطیری (۳/۵٪) بیانگر اهمیت کمتر این موضوعات در سطح عامه جامعه است؛ اما در مقابل، مسائل اجتماعی به طور عام (شامل قوانین رایج در میان مردم، مدح و ذم، موضوعات اجتماعی و اخلاقی) با مجموع ۱۲۳ مورد (۸۶/۱٪) نشان می‌دهد که پرداختن به مسائل اجتماعی نزد عامه ایرانیان اهمیت خاصی دارد که به نوعی نشان‌دهنده واقع‌گرایی (و نه خرافه‌گرایی) ایرانیان است.

۳-۵. طبقه‌بندی و تحلیل محتوا از نظر معماری

الف. کالبد معماری حمام (۱۸ مورد)

* هندسه و تناسبات (۲ مورد):

- نه به اون حموم رهنون، نه به اون مسجد سمنون (لطفی و مسجدی، ۱۳۹۰: ۳۷۳)

* فضاهای معماری (۷ مورد):

- بزرگی حمام را از سربینه‌اش می‌توان شناخت (شکورزاده، ۱۳۷۲: ۱۷۱)

- خیلی خوش پر و پاچه است، لب خزینه هم می‌نشیند (همان، ۳۴۷)

- ما هم تون را می‌تاییم هم بوق را می‌زنیم (همان، ۶۱۹)

- توی خزینه همه کس خوش‌آواز است (همان، ۲۵۴)

- لب خزینه را می‌بوسد و توی خزینه می‌شاشد (همان، ۶۰۶)

* گونه‌شناسی حمام (۴ مورد):

- حمام ده را به بوق چکار است؟ (دهخدا، ۱۳۶۶: ۷۰۳)

- من گرسنه در برابرم سفره نان همچون عزیزم بر در حمام زنان

(همان، ۱۷۴۸)

* موقعیت شهری و روستایی (۵ مورد):

- حمام ده را بوق نباید (دهخدا، ۱۳۶۶: ۷۰۳)

- غیر ناکامی درین ره کام نیست راه عشق است این ره حمام نیست

(همان، ۸۶۲)

- هذا مسجد، هذا حمام (لطفی و مسجدی، ۱۳۹۰: ۳۷۲)

ب. تأسیسات حمام (۱۸ مورد):

* آب حمام (۱۰ مورد):

- مثل آب حمام (دهخدا، ۱۳۶۶: ۱۴۰۰)

- به گرمی آب حمام است (روح‌الامینی، ۱۳۸۶: ۷۳)

* هوای حمام (۵ مورد):

- حمام هم به این گرمی نیست (لطفی و مسجدی، ۱۳۹۰: ۳۷۴)

- مثل دزفولی: خرس و بچه‌اش را بوردن حموم، گرم بید، پاهاش سوختش، بچشه

وَد زیر پاش و نشست سرش (میرنیا، ۱۳۶۹: ۳۷۱)

- میمون در حمام بچه‌اش را زیر پایش می‌گذارد (دهخدا، ۱۳۶۶: ۱۷۷۹)

* سوخت حمام (۱ مورد):

- آب گرمابه را پارگین شاید (همان، ۱۳)

* فاضلاب حمام (۲ مورد):

- آب حمام، مفت فاضلاب (شکورزاده، ۱۳۷۲: ۲)

ج. تزیینات حمام (۷ مورد):

* نقوش سردر حمام (۳ مورد):

- اگر تو آدمی اعتقاد من این است

که دیگران همه نقش‌اند بر در حمام

(روح‌الامینی، ۱۳۸۶: ۷۳)

- رستم در حمام است (دهخدا، ۱۳۶۳: ۸۶۶)

* نقوش داخل حمام (۴ مورد):

- نقش گرمابه (دهخدا، ۱۳۶۳: ۱۴۹۵)

- نقش رستم کو به حمامی بود
قرن حمله فکر هر خامی بود
(همان، ۸۶۶)

د. سایر موارد (فقط اشاره به واژه حمام یا گرمابه) (۲۵ مورد):

- حمام داشتیم بچه‌ها خوردند (دهخدا، ۱۳۶۳: ۷۰۳)

- حمام نرفتن بی‌بی از بی‌چادری است (همان، ۷۰۳)

یافته‌های طبقه‌بندی‌شده در این بخش در جدول شماره ۷ از نظر کمی تحلیل شده‌اند.

جدول شماره ۷- تحلیل محتوای یافته‌ها از نظر معماری

جمع کل	سایر موارد	تزیینات			تأسیسات					کالبد معماری				
		جمع	درون	سردر	جمع	فاضلاب	سخت	هوا	آب	جمع	موقعیت	گونه	فضاها	
۶۸	۲۵	۷	۴	۳	۱۸	۲	۱	۵	۱۰	۱۸	۵	۴	۷	فراوانی
۱۰۰	۳۶/۷۷	۱۰/۲۹	۵/۸۸	۴/۴۱	۲۶/۴۷	۲/۹۴	۱/۴۷	۷/۳۶	۱۴/۷۰	۲۶/۴۷	۷/۳۵	۵/۸۸	۱۰/۲۹	درصد

تحلیل کیفی یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در ۱۳۴ مورد از ضرب‌المثل‌های بررسی‌شده، ۶۸ مرتبه به موضوعات مرتبط با معماری حمام‌ها اشاره شده است. موضوعات مورد نظر مردم در ضرب‌المثل‌ها عموماً متوجه به‌کارگیری واژه حمام یا گرمابه است. به‌نظر می‌رسد معماری حمام بنا به دلایل متعدد بستری برای بیان موضوعات است. اشارات صریح به ابعاد و تناسبات، فضاها، حمام، گونه‌شناسی و دیگر موارد، بیانگر دقت نظر عامه مردم به جزئیات و شناخت صحیح آنان از مسائل فنی است. کالبد معماری حمام‌ها با چهار موضوع و درجمع ۱۸ مورد (۲۶/۴۷٪)، تأسیسات گرمابه‌ها نیز با تنوع و فراوانی مشابه دلیلی بر این مدعاست. به تزیینات حمام‌ها در این میان کمتر (۷ مورد و ۱۰/۲۹٪) توجه شده است.

۴-۵. طبقه‌بندی و تحلیل محتوا از نظر مردم‌شناسی

الف. آداب و رسوم حمام (۱۷ مورد):

* حمام عروس (۱ مورد):

- عروس حمام بر است (لطفی و مسجدی، ۱۳۹۰: ۳۷۳)

* شست‌وشو و استحمام (۷ مورد):

- لنگ حمام است هر کس بست بست (دهخدا، ۱۳۶۳: ۱۳۷۰)

- سر و کیسه کردن (مرتضویان، ۱۳۴۰: ۱۰۹)

- صابونش به تن همه خورده (رضایی و باتقوا، ۱۳۸۲: ۱۷۸)

- مثل همدانی: حمام می‌ری بمال، مسجد می‌ری بنال (ذوالفقاری، ۱۳۸۳: ۶۶)

* حنا بستن (۴ مورد):

- اگر من مُردم برو حمام حنا ببند (روح‌الامینی، ۱۳۸۶: ۷۲)

- حنای زیاد را به پاشنه ببندند (لطفی و مسجدی، ۱۳۹۰: ۳۷۲)

- دست کسی را توی حنا گذاشتن (پرتوی آملی، ۱۳۸۵: ۱/ ۵۲۰)

* سر تراشیدن (۲ مورد):

- دلاک‌ها چو بیکار مانند، سر یکدیگر تراشند (رضایی و باتقوا، ۱۳۸۲: ۱۷۸)

* سایر موارد (۳ مورد):

- از حمام می‌آیی برو خانه شوهر؛ از جامه‌شویی، خانه مادر! (دهخدا، ۱۳۶۳: ۱۲۳)

- بوقش را زدند (پرتوی آملی، ۱۳۸۵: ۲۱۹)

- حمام که به ما رسید زنانه شد (شکورزاده، ۱۳۷۲: ۳۰۲)

ب. مشاغل حمام (۱۵ مورد):

* تون تاب (۳ مورد):

- بترس از آن تون‌تابی که حمامی شده باشد (شکورزاده، ۱۳۷۲: ۱۵۴)

- تون‌تابی که حمامی شود به منصب رسیده است (همان، ۲۵۳)

* حمامی (۷ مورد):

- مثل حمامی‌ها (دهخدا، ۱۳۶۳: ۱۴۲۶)

- حمامی حمامی را نمی‌تواند ببیند (شکورزاده، ۱۳۷۲: ۳۰۳)

- گدا گدا را نمی تواند ببیند، حمامی حمامی را (شکورزاده، ۱۳۷۲: ۵۸۳)

* دلاک (۴ مورد):

- دلاکی را با سر من یاد می گیرد (رضایی و باتقوا، ۱۳۸۲: ۱۷۸)

- دلاکی و استغنا؟ (لطفی و مسجدی، ۱۳۹۰: ۳۷۲)

* جامه دار (۱ مورد):

- یک حمام خراب چند جامه دار می خواهد؟ (دهخدا، ۱۳۶۳: ۲۰۴۰)

ج. وسایل حمام (۲۴ مورد):

* تخت حمام (۱ مورد):

- برای تون تاب تخت حمام تخت سلطنت است (شهری، ۱۳۷۹: ۱۵۶)

* بوق حمام (۸ مورد):

- بوق روی حمام است (دهخدا، ۱۳۶۳: ۵۴۷)

- تجارت بوق حمام (شهری، ۱۳۷۹: ۲۳۳)

- سقش را با بوق حمام برداشته اند (هدایت، ۲۵۳۴: ۳۴)

* سنگ پا (۳ مورد):

- تو حموم زمین خورده، سنگ پا رفته تو کونش (لطفی و مسجدی، ۱۳۹۰: ۳۷۲)

- مگر سنگ پا گم شده؟ (روح الامینی، ۱۳۸۶: ۷۳)

* لنگ حمام (۶ مورد):

- دنیا لنگ حمام است هر روز عورت یکی را می پوشاند (شکورزاده، ۱۳۷۲: ۳۸۵)

- حمومی به حمومی که برسه واسش لنگ می اندازه (لطفی و مسجدی، ۱۳۹۰: ۳۷۳)

* طاس و دولچه (۵ مورد):

- مگر طاس حمام گم شده؟ (روح الامینی، ۱۳۸۶: ۷۳)

- تو حموم شلوغ طاس و دولچه گم می شه (لطفی و مسجدی، ۱۳۹۰: ۳۷۲)

* کیسه (۱ مورد):

- سر و کیسه کردن (مرتضویان، ۱۳۴۰: ۱۰۹)

د. مواد مصرفی در حمام (جمعاً ۱۰ مورد):

* حنا (۴ مورد):

- دست کسی را توی حنا گذاشتن (پرتوی آملی، ۱۳۸۵: ۵۲۰)

* گِل و صابون (۶ مورد):

- به تو چه که خانه قلی صابون می‌پزند! (شکورزاده، ۱۳۷۲: ۱۹۰)

- صابون به پای کسی مالیدن (رضایی و باتقوا، ۱۳۸۲: ۱۷۸)

- مثل بهبهانی: یا نمی‌شم حموم یا پستی گِلَم می (فرجیان و نجف‌زاده، ۱۳۷۰: ۹۱۳/۳)

- جانم از تن چو تن ز جان شده کاهان صابون از جامه کاست جامه ز صابون (رضایی و باتقوا، ۱۳۸۲: ۱۷۸)

ه. بازی‌های حمام (۱ مورد):

- حمومک مورچه داره بشین و پاشو (دهخدا، ۱۳۶۳: ۷۰۳)

یافته‌های طبقه‌بندی‌شده در این بخش در جدول شماره ۸ از نظر کمی تحلیل شده‌اند.

جدول شماره ۸- تحلیل محتوای یافته‌ها از نظر مردم‌شناسی

فرآیند	آداب و رسوم				مشاغل				وسایل				مواد مصرفی				جمع کل				
	حمام عروس	شست‌وشو	حنا بستن	سر تراشیدن	سایر موارد	جمع	تون قاب	حمامی	دلای	چاه‌دار	جمع	تخت حمام	پوش حمام	سنگ پا	آنگ	طاس و دولچه		کیسه	جمع	حنا	صابون
۶۷	۱	۷	۴	۲	۳	۱۷	۳	۷	۴	۱	۱۵	۱	۸	۳	۶	۵	۱	۲۴	۴	۶	۱۰
درصد	۴۹	۴۵	۹۷	۹۸	۴۸	۳۷	۴۸	۴۵	۹۷	۴۹	۳۹	۴۹	۹۴	۴۸	۹۵	۴۶	۴۹	۸۲	۹۷	۹۵	۹۳
	۱	۱۰	۵	۲	۴	۲۵	۴	۱۰	۵	۱	۲۲	۱	۱۱	۴	۸	۷	۱	۳۵	۵	۸	۱۴

تحلیل کیفی یافته‌های پژوهش از نظر مردم‌شناسی، نشان از گستردگی کاربرد واژه‌های مرتبط با حمام‌ها دارد. درمجموع در ۱۳۴ مورد از ضرب‌المثل‌های بررسی‌شده ۶۷ مرتبه به واژه‌های مرتبط با مردم‌شناسی اشاره شده است. در این میان، به وسایل حمام‌ها (با ۲۴ مورد و ۳۵/۸۲٪) بیش از دیگر موضوعات، توجه شده است که شاید نشان از قدرت درک و فهم بصری عامه دارد. آداب شست‌وشو و گرمابه‌زدن با ۱۷ مورد

در جایگاه بعدی قرار دارد. تنوع موضوعات مطرح شده در آداب و رسوم، می تواند ما را به دقت نظر عامه در این خصوص رهنمون سازد. از لنگ بستن برای شست و شو تا حنابستن، تراشیدن سر و لیف و کیسه کشیدن، مشّت و مال و لنگ گشادن، همگی به روشنی ذکر شده است.

به مشاغل حمام اگرچه به شکل ناقص اشاره شده است. به نظر می رسد چون بیشتر مردم با حمامی و دلاک سروکار دارند، به این رده شغلی بیشتر توجه شده است. از میان تمام مواد مورد استفاده در حمام ها فقط به حنا، صابون و گل سرشوی اشاره شده است. بازی ها نیز فقط در یک مورد به امثال مرتبط راه یافته اند.

نتیجه گیری

مطالعه محتوای عمومی امثال نشان می دهد که به ۱۴۵ موضوع، توجه شده است که از این میان مسائل اجتماعی، اخلاقی و قوانین، بین مردم بالاترین حد را به خود اختصاص داده اند. توجه عامه به مسائل اجتماعی بیانگر بلوغ فکری جامعه و حساسیت آنان است. نکته مهم دیگر این است که خلاف تصور، فقط ۵/۶٪ از امثال درباره حمام ها محتوای خرافاتی دارند.

نتایج بررسی محتوای امثال از نظر معماری بیانگر توجه به کالبد معماری، تأسیسات و تزیینات حمام ها است که تنوع موضوعات آن، نشان از دقت نظر عامه به مسائل دقیق فنی دارد. بررسی محتوای مردم شناسانه امثال نیز نشان می دهد که وسایل حمام ها با حدود ۳۶٪ بیشترین بخش امثال را دربر گرفته است. آداب و رسوم با حدود ۲۵٪ و مشاغل حمام ها با حدود ۲۲٪ در جایگاه های بعدی قرار دارند. نکته با اهمیت این است که مسائل معماری حمام ها با ۶۸ مورد و موضوعات مردم شناختی گرمابه ها با ۶۷ مورد وزن یکسانی دارند.

پژوهش حاضر نشان می دهد که نزد عامه مردم و در امثال رایج ایشان، کالبد معماری حمام ها هم سنگ و هم ارزش وجوه فرهنگی آن ها به شمار می آید و این امر نشان می دهد که همپای توجه به حفظ کالبد معماری گرمابه ها باید به حفاظت از وجوه فرهنگی و مردم شناختی آن ها نیز اهتمام ورزید. با چنین گستردگی و تنوع موضوعات،

باید بیان داشت که پدیده‌ای به نام حمام، نه فقط یک عنصر اجتماعی (که در تمامی مراحل گذار، از بدو تولد تا روز مرگ، با شادی‌ها و غم‌های عامه مردم همراه بوده است)؛ بلکه محمل و بستری مناسب برای بیان باورها، اندیشه‌ها و آرزوهای ایشان نیز بوده است.

منابع

- آسانووا، گالینا و دوو، مارتین (۱۳۸۲). «طرح مرمت و بازسازی حمام صرافان بخارا». ترجمه علی‌اکبر خان‌محمدی. *کتاب ماه هنر*. ش ۵۷-۵۸. صص ۱۶۴-۱۶۹.
- امینی، امیرقلی (۱۳۲۴). *داستان‌های امثال*. اصفهان.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۴۶). *آسیای هفت سنگ*. تهران: دانش.
- بقایی، ناصر (۱۳۷۰). *امثال فارسی در گویش کرمان*. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.
- بلوکباشی، علی (۱۳۷۴). «چگونگی شکل‌گیری معماری برازنده قهوه‌خانه». *مجموعه مقالات اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور. ج ۱. صص ۳۱۹-۳۳۰.
- بهمنیار، احمد (۱۳۲۹). «تقسیمات مثل». *یغما*. ش ۲۳. صص ۲۲-۲۷.
- ----- (۱۳۸۱). *داستان‌نامه بهمنیاری*. چ سوم. تهران: دانشگاه تهران.
- پارسا، سیداحمد (۱۳۸۴). «مثل‌ها از نگاهی نو». *رشد آموزش زبان و ادب فارسی*. ش ۷۵. صص ۴-۱۷.
- پرتوی آملی، مهدی (۱۳۸۵). *ریشه‌های تاریخی امثال و حکم*. ج ۲. چ پنجم. تهران: سنایی.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۷۲). *آشنایی با معماری اسلامی ایران، ساختمان‌های درون‌شهری و برون‌شهری*. تدوین غلامحسین معماریان. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- جرّ، خلیل (۱۳۶۷). *فرهنگ لاروس (عربی-فارسی)*. ترجمه سید احمد طبیبیان. تهران: امیرکبیر.
- حاجی قاسمی، کامبیز [گردآورنده] (۱۳۸۳). *گنج‌نامه حمام‌ها*. ج ۱۸. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- خضرائی، امین (۱۳۸۲). *فرهنگ‌نامه امثال و حکم ایرانی*. شیراز: نوید.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۶۳). *امثال و حکم*. ج ۴. چ ۶. تهران: امیرکبیر.

- (۱۳۷۷). *لغت نامه*. به کوشش محمد معین و سید جعفر شهیدی. چ دوم (دوره جدید). تهران: دانشگاه تهران/ مؤسسه لغت نامه دهخدا.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۳). «شیوه نامه تدوین مثل های ایرانی». *فرهنگ مردم*. ش ۸ - ۹. صص ۶۴-۷۸.
- (۱۳۸۴). «سیری در داستان های امثال». *مطالعات ایرانی*. ش ۸. صص ۷۵-۱۰۶.
- (۱۳۸۴). *داستان های امثال*. چ دوم. تهران: مازیار.
- (۱۳۸۵). «کتاب شناسی ضرب المثل ها». *مطالعات ایرانی*. ش ۹. صص ۵۳-۷۷.
- (۱۳۸۷). «تفاوت کنایه با ضرب المثل». *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. ش ۱۰. صص ۱۰۹-۱۳۳.
- (۱۳۸۸). *فرهنگ بزرگ ضرب المثل های فارسی*. تهران: معین.
- رضایی، الهه و مهدی باتقوا (۱۳۸۲). «حمام در ادبیات منظوم ایران». *کتاب ماه هنر*. ش ۵۷-۵۸. صص ۱۷۶-۱۷۹.
- رضوانیان، محمدحسن (۱۳۵۶). «سخنی در زمینه امثال (طرز طبقه بندی ضرب المثل ها و استفاده از آن در مطالعات تطبیقی خصوصیات اخلاقی ملل)». *هنر و مردم*. ش ۱۸۴-۱۸۵. صص ۹۸-۱۰۲.
- رضی، هاشم (۱۳۷۱). *آیین مهر (میترائیسم)*. تهران: بهجت.
- روح الامینی، محمود (۱۳۸۶). *حمام عمومی در جامعه و فرهنگ و ادب دیروز: نگرش و پژوهش مردم شناسختی*. تهران: اطلاعات.
- سبزیان پور، وحید و هدیه جهانی (۱۳۹۱). «نگاهی به کتاب فرهنگ بزرگ ضرب المثل های فارسی». *کتاب ماه ادبیات*. ش ۶۴. صص ۶۴-۶۷.
- سرمد، غلامعلی (۱۳۷۶). *سخن پیر قدیم، ضرب المثل های بیرجندی*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- سعدی، شیخ مصلح الدین (۱۳۶۶). *کلیات سعدی*. تصحیح محمدعلی فروغی. چ چهارم. تهران: کتاب فروشی علمی.
- شکورزاده، ابراهیم (۱۳۷۲). *ده هزار مثل فارسی و بیست و پنج هزار معادل آن ها*. مشهد: آستان قدس رضوی.

- شهری، جعفر (۱۳۷۹). *قند و نمک*. چ سوم. تهران: معین.
- طبسی، محسن (۱۳۸۱). «بازخوانی وقف‌نامه و بررسی کالبدی مرکز محله علیقلی‌آقا». *صفه*. ش ۳۵. صص ۹۳-۱۲۱.
- _____ (۱۳۹۱). «بازخوانی امثال و حکم به منظور بازیابی واژه‌ها و اصطلاحات معماری و شهرسازی». *مطالعات ایرانی*. ش ۲۲. صص ۲۵-۵۶.
- _____ (۱۳۹۲). *کتابنامه گرمابه‌ها*. مشهد: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد مشهد/ سخن‌گستر.
- _____ (۱۳۹۲). *آشنایی با گرمابه‌های ایران*. مشهد: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد مشهد/ سخن‌گستر.
- فخار تهرانی، فرهاد (۱۳۶۶). «حمام‌ها». *معماری ایران دوره اسلامی*. به‌کوشش محمد یوسف کیانی. تهران: جهاد دانشگاهی.
- _____ (۱۳۷۹). «حمام‌ها در نظرگاه زمان». *صفه*. ش ۳۰. صص ۹۴-۱۰۵.
- _____ [گردآورنده] (۱۳۸۴). *مجموعه مقاله‌های همایش حمام در فرهنگ ایرانی*. تهران: پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی کشور.
- فرجیان، مرتضی و محمدباقر نجف‌زاده بارفروش (۱۳۷۰). *طنزسرایان ایران از مشروطه تا انقلاب*. تهران: بنیاد.
- _____ (۱۳۸۲). *کتاب ماه هنر*. ش ۵۷-۵۸.
- کیانی، محمدیوسف [گردآورنده] (۱۳۶۶). *معماری ایران دوره اسلامی*. تهران: جهاد دانشگاهی.
- گروسین، هادی (۱۳۷۰). *واژه‌نامه همدانی*. تهران: مسلم.
- لطفی، علیرضا و حسین مسجدی (۱۳۹۰). *فرهنگواره گرمابه*. تهران: کتاب آبان.
- مجتهدی، علی‌اصغر (۱۳۳۴). *امثال و حکم در زبان محلی آذربایجان*. تبریز: شفق.
- مراغه‌ای، حاج زین‌العابدین (۱۳۶۴). *سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ*. به کوشش محمدعلی سپانلو. تهران: اسفار.
- مرتضویان، سید کمال‌الدین (فارسانی) (۱۳۴۰). *داستان‌های امثال*. اصفهان: کتابفروشی ثقفی.
- معین، محمد (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی*. دوره شش جلدی. چ هشتم. تهران: امیرکبیر.

- ملازاده، کاظم (۱۳۷۹). «حمام‌ها». *دائرة المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی، بناهای عام‌المنفعه*. ج چهارم. تهران: حوزه هنری. صص ۲۴-۲۶.
- میرنیا، علی (۱۳۶۹). *فرهنگ مردم (فولکلور ایران)*. تهران: پارسا.
- ناصری، مهدی (۱۳۸۶). «طبقه‌بندی مشترک ضرب‌المثل‌های فارسی، عربی و انگلیسی». *سخن عشق*. ش ۳۳-۳۴. صص ۷۹-۸۸.
- هدایت، صادق (۲۵۳۶). *علویه خانم و ولنگاری*. تهران: جاویدان.
- واعظزاده، عباس (۱۳۹۰). «معرفی و نقد کتاب فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی». *کتاب ماه ادبیات*. ش ۵۰. صص ۶۳-۶۷.
- وکیلان، احمد (۱۳۶۸). *تمثیل و مثل*. ج ۲. تهران: سروش.